

با تو از امید و ایمان زنده تر  
انتظارت کوچه باغی در سحر  
ای امیدت چشمه ساری جاودان  
انتظارت کوچه ای تا آسمان  
از فراغت سینه مالا مال غم  
بی تو من دل خسته و غمگین شدم  
با تو از امید و ایمان خوانده ام  
با تو از فصل بهاران خوانده ام (۲)  
ای امید سینه های گرم و داغ  
ای چراغ و ای چراغ و ای چراغ  
باز می پیچد صدای گرم تو  
در سکوت سرد صحرای صبور  
آسمان ای مهربان آبی رسان  
بر گلوی تشنه ی گل های نور  
ای خدا این چشمه را جاری نما  
سینه را با مهر خود یاری نما  
از امید و انتظار و زندگی  
شهر ما را غرق بیداری نما